

قدردانی رئیس جمهور از همراهی مردم در اجرای طرح بنزین

رئیس جمهور روز گذشته در جلسه هیأت دولت ضمن قدردانی از تلاش‌ها و زحمات تمامی مدیران، دستگاه‌ها و مجموعه‌های دست‌اندرکار اجرای طرح بنزین، از همراهی و همکاری مردم، رانندگان، جایگاه‌داران و تمامی عوامل این طرح نیز تقدیر و تشکر کرد. دکتر مسعود پزشکیان با تأکید بر ضرورت تداوم همکاری و هم افزایی میان دستگاه‌های اجرایی و مردم در شرایط فعلی کشور، اظهار داشت: همه ما وظیفه داریم برای اجرای مطلوب طرح‌ها و سیاست‌های عمومی، همکاری و همراهی لازم را داشته باشیم و در این مسیر باید منافع و دغدغه‌های تمامی ذی‌نفعان مورد توجه قرار گیرد. رئیس‌جمهور همچنین بر ضرورت اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از تحمیل فشار و زیان به اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه گروه‌های کم‌برخوردار تأکید کرد.



بیانیه وزارت امور خارجه:

رژیم آمریکا شریک اصلی جنایات صهیونیست‌ها در لبنان است

وزارت امور خارجه کشورمان روز گذشته با انتشار بیانیه‌ای تداوم تجاوزات نظامی رژیم‌صهیونیستی علیه لبنان از جمله حملات وحشیانه روزهای اخیر به مناطق مسکونی در جنوب این کشور که به شهادت و زخمی شدن ده‌ها تن از شهروندان لبنانی از جمله زنان و کودکان منجر شده است را به‌شدت محکوم کرده و ضمن تجدید از مقاومت و پایداری ملت شریف لبنان در برابر سلطه‌طلبی و اشغالگری رژیم کودک‌کش اسرائیل، بر حمایت جمهوری اسلامی ایران از مسیر دفاع از حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی این کشور تأکید می‌کند.

یادداشت سبناو احدانتقدونویسنده

انتقام، تمنای ملی ایرانیان

هیچ ایرانی نیک‌قلبی را نمی‌توان دید که پس از انتشار یک خبر اندوهگین‌کننده، در دریای اندوه غوطه‌ور نشده باشد!! هیچ ایرانی وطن‌پرستی را نمی‌توان یافت که پس از شنیدن حمله‌های جنگی به اقامتگاه رهبر ایران، به بالاترین درجه غضب و عصبانیت نرفته باشد!! و هیچ ایرانی معمولی و دل‌آرامی را نمی‌توان یافت که پس از شنیدن خیرشهادت «ضربت آقا»، زبان به دشنام‌نگشوده باشد و دشمنان ایران مقتدر را فحش باران نکرده باشد. آری، حتی درختان نجیب این سرزمین هم پس از شنیدن خبر تلخ و وحشتناک آن حمله، دسته‌جمعی گریستند و با کلمات سبزی به آسمان گفتند: امروز بر مهربان‌ما درختان سایه‌آفرین را کشتند تا آتش» را در سرزمین آرامش، برپام بی‌انتهای جنگ‌ها و شهرها فرو بریزند و تمامیت آرامش وطن را به پاره پاره سخله‌های آتش سوزان تبدیل کنند. ایک اگر در این فضای پرغم و پراحساس یک جامعه حقیقتاً(مزار) شده، رفته‌رفته «عقاب غیرتمند انتقام» به پرواز درآید و از اشک چشم‌ها بالا رود، باید برسید این عقاب غیرتی از کجا آمده‌است؟!

و به مصلحت امروز کشور نیست که «اندیشه انتقام» چرخنده گردد و از قلبی به قلب دیگر و از شهری به شهر دیگر حرکت کند. چرا باید در برابر تولد طبیعی و منطقی «اندیشه انتقام» موضع منفی گرفت و از جمال زیبایی آن گریزان گشت. ملت و جامعه‌ای که از یک هویت فاخر تاریخی و با قدمتی هزاران ساله برخوردار است در دل طوفان‌های بزرگ و سهمگین، همیشه و همیشه «مقتدرانه» حرکت می‌کند و «مقتدرانه» به یک نیاز تاریخی و یک «تمنای ملی» پاسخ می‌دهد. هرگونه پاسخ سیاسی یا پاسخ‌های توجیه‌گرانه به این «تمنای ملی ایرانی» در ضدیت با شخصیت ملی وطن است و از سیر تاریخی حق دورافتاده دورافتاده قرار می‌گیرد و به همین خاطر، سبک کاهش منزلت و شخصیت ایران و ایرانی می‌گردد.

سکوهای پروازی عقاب‌های انتقام را باید طراحی کرد و با آرایشی جهانی و پرهیبت آن را به میانه حقوق بین‌الملل فروپاشیده برد و جهان اندیشه‌های مظلوم و ضعیف نگاه داشته شده را دعوت به شادمانی «اجرای انتقام» ایرانی یا «انتقام بزرگ ایران» نمود.

پس از گذر خوبین رمضان و گردنه خونبار دهم رمضان، تاریخ‌هویت‌فاخر ایران، گام‌درمدار عاطفه و تمنای‌گذاشته است که باید دست و بازو و پنجه ستمگران جهانی را قطع کند و طعم خوبین «اندیشه انتقام» را هر روز و هر هفته روی میز روسای م‌جمهور ستم‌پیشه و خونخوار پهن کند تا انجمن جهانی مالکان فضای مجازی به این حقیقت برسند که اگر می‌خواهند در این جهان پردادوستد و پربازو پرسود آرام گرد و آمد و کنند و بی‌عیب و ترس پس به جلسات کاری‌شان بگذارند، باید بر سر مزار ژنرال سلیمانی حاضر شوند و فقط و فقط، یک کلمه بگویند: یک کلمه درخشان: زنده‌باد ایران

قطعه‌نامه پیشنهادی ایالات متحده آمریکا و سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان، در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تصویب رسید.

این قطعه‌نامه که با ۲۳ رأی موافق، ۸ رأی ممتنع و ۳ رأی مخالف به تصویب رسید، با تکرار ادعاهای سیاسی درباره برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشور، نادیده گرفتن همکاری‌های ایران با آژانس و چشم‌پوشی از پیامدهای تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه تأسیسات هسته‌ای تحت پادمان، از مدیرکل آژانس می‌خواهد قطعه‌نامه جدید، قطعه‌نامه‌های پیشین مورد اشاره در متن و گزارش اخیر خود درباره ایران

ساعت‌های سپری‌شده از شامگاه سه‌شنبه تا سپیده‌دم چهارشنبه، صحنه یکی از شدیدترین ریزواری‌های مستقیم میان ایران و ارتش متجاوز آمریکا پس از امضای تفاهم‌نامه اسلام‌آباد بود؛ کارزاری تمام‌عیار که با نمایش خیره‌کننده اقتدار دفاعی نیروهای مسلح کشورمان، تحمیل یک شکست راهبردی دیگر به ارتش تروریستی آمریکا و تثبیت دکترین «پاسخ ۱۰ برابری» همراه بود؛ راهبردی که سخنگوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اتکا به دست برتر فناوری بومی و سامانه‌های موشکی مدرن بر آن صحنه گذاشت و تصریح کرد قدرت بازدارندگی کشور به نقطه‌ای با گذشت ناپذیر رسیده است که اگر دشمن دواپسه هدف ما را نشانه‌برد ما با ۲۰ هدف پاسخ محکم می‌دهیم. جرقه این درگیری‌های پرشتاب، دقیقاً از همین نقطه و در پی تصمیم قاطع تهران در شروع کارزار درهم شکستن محاصره اقتصادی و دریایی نامشروع واشنگتن زده شد؛ جایی که رزمندگان دلار میهند در جدیدترین ابتکار راهبردی خود، نمادهای اصلی قدرت دریایی ارتش تروریستی آمریکا را هدف قرار دادند و با شلیک دقیق موشک‌های بالستیک، شناورهای جنگی متخاصم را در عمق آب‌های منطقه زیر ضربه بردند تا ثابت کنند ادامه جنگ اقتصادی علیه معیشت ملت ایران، هزینه سلب امنیت تزدند نظامی متجاوزان در دریا به دنبال خواهد داشت.

ارتش تروریستی آمریکا که در ریزواری مستقیم نظامی توان ایستادگی در برابر موشک‌های نقطه‌زن ایرانی را نداشت، شامگاه سه‌شنبه از سر عجز و استیصال دست به رفتاری کور و پزدانه زد. چنگنده‌ها و شناورهای متخاصم آمریکایی با نقض آشکار حقوق بین‌الملل، چند فروند نفتکش تجاری کشورمان را در خلیج فارس و دریای عمان هدف قرار دادند؛ تجاوزی که در محدوده چهار مایلی لنگرگاه جزیره خارگ و حوالی منطقه سنگ‌سیاه جاسک رخ داد، اما فاقد هرگونه خسارت جانی بود و کادر شناورها به سرعت تخلیه شدند. این دست‌اندازی خطرناک در شرایطی انجام شد که فرماندهی قراگاه مرکزی خاتم‌الانبیاء ساعاتی پیش از آن صراحتاً به سران کاخ سفید هشدار داده بود هرگونه تعرض به کشتی‌های نفتکش ایرانی با انهدام پایگاه‌ها و منافع حیاتی آمریکا در سراسر منطقه تاوان داده خواهد شد؛ هشداری صریح که نادیده گرفتن آن از سوی فرماندهان متوهم پنتاگون، فرمان اجرای سنگین‌ترین پاسخ تلافی‌جویانه را صادر کرد. با فرا رسیدن بامداد چهارشنبه، موعد تحقق وعده صادق تنبیه متجاوز فرا رسید. دلارومردان نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عملیاتی سهمگین با رمز مقدس «یا حیدر کرار»، قلب تأسیسات پشتیبانی دشمن را نشانه رفتند. پرواز پرچم موشک‌های بالستیک سوخت جامد و مایع با کلاهک‌های پیشرفته بارشی، شبکه‌های پدافندی برادعی پاتریوت را در آسمان اردن تحقیر وی استفاده ساخت و مستقیماً فرار پایگاه هوایی «الارق» (موفق السطی) و پایگاه «شاهزاده حسن» فرود آمد. در این ضربات دقیق، آشیانه‌های اورها، مراکز آماده‌سازی و شلترهای نگهداری جنگنده‌های فوق پیشرفته اف-۳۵، اف-۱۶ و اف-۱۵ ارتش آمریکا زیر آتش رفت و خسارات سنگینی بر زیرساخت‌های عملیاتی متجاوزان وارد آمد.

یادداشت دکتر فؤاد ابیدی | استاد دانشگاه

گروسی؛ نماینده موساد و سیا

براساس قوانین و سازوکارهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هنگامی‌که یک سایت هسته‌ای تحت بازرسی و نظارت آژانس قرار دارد و مورد حمله نظامی واقع می‌شود، انتظار می‌رود دبیرکل آژانس موضوع را به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع دهد و خواستار تشکیل جلسه اضطراری این شورا شود، با این حال زمانی‌که در خردادماه سال‌گذشته سایت‌های هسته‌ای ایران هدف حمله قرار گرفتند و بازرسان آژانس در ایران حضور داشتند و مشغول انجام فعالیت‌های معمول بازرسی و نظارتی خود بودند، رافائل گروسی به‌جای پیگیری موضوع در شورای امنیت، از محکومیت حمله خودداری کرد و اقدامی در حد درخواست تشکیل جلسه اضطراری شورای امنیت انجام نداد.

دلیل این رویکرد را باید در روابط بسیار نزدیک گروسی با آمریکا و رژیم صهیونیستی جست‌وجو کرد. موارد متعددی وجود داشته که او پیش از سفر به ایران ابتدا به اسرائیل سفر کرده و سپس وارد ایران شده است. اکنون نیز گروسی به‌دنبال تصدی دبیرکلی سازمان ملل است و تصور می‌کند با کمک آمریکا و اسرائیل می‌تواند به این جایگاه دست پیدا کند. بنابراین هماهنگی و همراهی او با این دو کشور را نمی‌توان نادیده گرفت به‌گونه‌ای که در بسیاری از موارد، آمریکا، اسرائیل و دبیرکل آژانس عملاً در قالب یک تیم عمل می‌کنند. پیش از جنگ ۱۲روزه نیز آژانس بیانیه‌ای صادر کرد که اگرچه در ظاهر بیانیه‌ای بسیار شدید نبود اما آمریکا و اسرائیل از آن برای توجیه حمله نظامی به ایران استفاده کردند. این حمله به‌ویژه حمله به تأسیسات هسته‌ای- از منظر حقوق بین‌الملل فاقد هرگونه توجیهی بود و طبیعتاً انتظار می‌رفت آژانس در برابر چنین اقدامی واکنش جدی نشان دهد و موضوع در شورای امنیت مطرح شود. در چنین

را به اعضای آژانس، شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارسال کند.

این قطعه‌نامه همچنین با تکرار ادعای بی‌اساس «عدم پایبندی» ایران به تعهدات پادمانی، خواستار اقدام تهران برای رفع آن شده و در کنار اشاره به حمایت از راه‌حل دیپلماتیک، ادامه گزارش دهی مدیرکل به شورای حکام و ارائه گزارش‌ها به شورای امنیت را مطرح کرده است.

خرافه‌ای به نام حقوق بین الملل

تهران، مسکو و یکن در بیانیه‌ای مشترک با اقدام سیاسی شورای حکام در ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت مخالفت کردند

جمهوری اسلامی ایران پیش‌تر با انتقاد از تحرکات آمریکا و سه کشور اروپایی، تلاش تازه آنها برای ارسال موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت را نشانه شکست «توهم انسپ‌بک» خوانده است. ایران، روسیه و چین پیش از صدور این قطعه‌نامه در بیانیه‌ای مشترک در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، آن را فاقد مبنای حقوقی و مغایر با ادعای تعهد به دیپلماسی خوانده و از کشورهای عضو خواستند از پیش‌نویس

همزمان با حملات کوبنده ایران به چندین ناوشکن، شناور و پایگاه آمریکایی در منطقه، سپاه پاسداران بر شدت گرفتن حملات کشورمان تأکید کرد

پاسخ ۱۰ برابری



تغییر بنیادین در موازنه وحشت

آنچه در تحولات جاری رخ می‌دهد، صرفاً یک تبادل آتش ساده مرزی یا تاکتیکی نیست، بلکه بازتابی از جهش بنیادین در تفکر نظامی و دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران است. تهران در سال‌های گذشته به‌ویژه در تجارب تاریخی نظیر پاسخ به ترور سردار شهید سلیمانی در عین‌الاسد، عملیات‌های موشکی وعده صادق ۱ و ۲ علیه عمق سرزمین‌های اشغالی در سال ۲۰۲۴ و جنگ دوازده‌روزه سال ۲۰۲۵، گام‌به‌گام اتکا به جنگ‌های واسطه‌ای و نامتقارن را به «کاربرد عریان، متمرکز و متعارف قدرت آتش دوربرد» ارتقا داد.

امروز نیروهای مسلح ایران به این سطح از بلوغ ژئوپلیتیک رسیده‌اند که جنگ اقتصادی و تحریرهای ظالمانه را دیگر مسائلی جدا از میدان نبرد نظامی تلقی نمی‌کنند. شلیک به ناوشکن‌های مجهز به سپر موشکی ایجیس و انهدام شلترهای نگهداری جنگنده‌های نسل پنجم F-35 در عمق خاک اردن نشان داد که بازدارندگی ایران، جغرافیا و مرزهای بازدارنده سنتی دشمن را منسوخ کرده است.

تهران در عمل ثابت کرده که مهار تروریسم اقتصادی کاخ سفید، مستلزم سلب امنیت پایگاه‌های نظامی و شریان‌های لجستیک آمریکا در کل جغرافیای غرب آسیاست. وقتی واشنگتن زبان دیپلماسی را با فشار حداکثری و توقیف شناورهای تجاری جایگزین می‌کند، پاسخ متقارن و حتی فرامتقارن در عرصه دریا و هوا، هزینه محاسباتی دشمن را از استانه تحمل سیاسی آن فراتر می‌برد.

یادداشت علیرضا ربیخشا نویسنده و پژوهشگر

از توافق گذشته عبور کنیم؛ سطح مطالبات را بالا ببریم

تحولات اخیر، چه در عرصه دفاعی و چه در میدان مقاومت و پایداری مردم ایران در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی، شرایط تازه‌ای را پیش روی کشور قرار داده است. این تحولات صرفاً یک تغییر در معادلات نظامی نیست بلکه مهم‌تر از آن، موجب تقویت فرهنگ خودباوری و افزایش اعتمادبه‌نفس ملی شده است. امروز ملت ایران بیش از گذشته به این باور رسیده که می‌تواند در برابر تهدیدات بایستد، مقاومت کند و برای رسیدن به اهداف بزرگ‌تر تلاش کند. بر همین اساس، به‌نظر می‌رسد نمی‌توان با همان نگاه و همان سطح از مطالبات گذشته وارد شرایط جدید شد. توافقی‌هایی که در مقطع زمانی دیگری و با توجه به شرایط همان روزها مورد بحث یا پذیرش قرار گرفته‌اند، لزوماً نمی‌توانند پاسخگوی موقعیت امروز کشور باشند. شرایط تغییر کرده و طبیعی است که سطح مطالبات ما نیز متناسب با این تغییرات ارتقا پیدا کند. برای توضیح این مسأله می‌توان از یک مثال ساده استفاده کرد. برف‌هایی که بر فراز قله‌ها آب می‌شوند، قطره‌قطره در قالب جوپارها به حرکت درمی‌آیند. جوپارها به رودخانه‌ها می‌پیوندند، رودخانه‌ها را خود را ادامه می‌دهند و سرانجام به دریا و اقیانوس می‌رسند. اگر هدف این آب تنها رسیدن به پشت یک سنگ بزرگ باشد، حرکت آن در همان نقطه متوقف خواهد شد. آب پشت مانع می‌ایستد، راکد می‌شود و به‌تدریج شفافیت و ژلای خود را از دست می‌دهد اما اگر مقصد اقیانوس باشد، آب برای عبور از موانع تلاش می‌کند و مسیر خود را ادامه می‌دهد.

اهداف یک ملت نیز باید چنین باشد. اگر اهداف ما کوتاه‌مدت و محدود تعریف شوند، ممکن است در نخستین مانع متوقف شویم اما اگر نگاه ما به افق‌های بلند و اهداف بزرگ‌تر معطوف باشد، موانع نمی‌توانند پایان مسیر تلقی شوند. در این صورت حتی اگر به همه اهداف بلندمدت خود دست پیدا نکنیم، در

قطعه‌نامه ضدایرانی حمایت نکنند.

سه کشور روز چهارشنبه در این بیانیه مشترکی تأکید کردند: «ارجاع ادعایی به شورای امنیت سازمان ملل متحد فاقد مبنای حقوقی است، با هدف تشدید وضعیت صورت می‌گیرد و با تعهد اعلام‌شده بنابین پیش‌نویس به دیپلماسی سازگار نیست. بنابراین، همه کشورهای عضو مسئولیت‌پذیر را تشویق می‌کنیم پیامدهای آن را به‌دقت بررسی کنند و از حمایت از پیش‌نویس قطعه‌نامه خودداری ورزند.» ایران، روسیه و چین تصریح کردند که پیش‌نویس قطعه‌نامه ارائه شده، صرف‌نظر از کاستی‌های شکلی و محتوایی، حتی به حلاتی که علت اصلی و عامل اساسی شکل‌گیری وضعیت کنونی بوده‌اند، اشاره صریحی ندارد.

تله فرسایش برای هژمون

در تحلیل صحنه نبرد، واقعیت‌های راهبردی حاکی از آن است که واشنگتن ناخواسته وارد تله یک «جنگ فرسایشی بزرگ» شده است؛ کارزاری که ساختار سیاسی و ماشین جنگی جمهوری اسلامی ایران دقیقاً برتری‌های ژئوپلیتیک و انسانی لازم برای پیروزی قاطع در آن را در اختیار دارد. تهران بر پایه این اصل استوار به میدان آمده است که نظام برخاسته از انقلاب اسلامی و ملت مقاوم ایران، ظرفیت بی‌نظیری در تاب‌آوری، جذب شوک‌های مقطعی و تحمل هزینه‌های درگیری طولانی‌مدت دارند؛ مزیتی تمدنی که هیچ همتایی در جامعه مصرف‌زده، منشعب و حساس به بحران آمریکا ندارد. موقعیت منحصربه‌فرد ژئوپلیتیک ایران در مجاورت مستقیم شاهرگ‌های کلیدی انرژی جهان، دست برتر راهبردی را به رزمندگان میهن بخشیده است. ارتش تروریستی آمریکا ناچار است با تکیه بر خطوط مواصلاتی هزاران مایلی، استقرار طولانی‌مدت، خسته‌کننده و پرهزینه ناوهای غول‌پیکری نظیر «آبراهام لینکلن» را در منطقه حفظ کند؛ حضوری که با فرسودگی مفراط تجهیزات و خدمه، شکاف‌های جدی درون ساختار نظامی آمریکا بی‌پیرامون تمدید این ماموریت‌های بی‌حاصل ایجاد کرده است.

در مقابل، نیروهای مسلح ایران در زمین خانگی خود، متکی بر انبهارهای موشکی و پهپادی پایان‌ناپذیر، جغرافیای نامتقارن خلیج فارس و اشراف کامل اطلاعاتی، توانسته‌اند هزینه‌های نظامی دشمن را به شکل تصاعدی بالا ببرند. اصابت صدها کلاهک بالستیک بارشی و انهدام سامانه‌های راداری، هزینه‌های میلیارد دلاری شلیک پدافندهای برادعای پاتریوت را آشکار ساخت و یوچی فناوری دفاعی غرب را نمایان کرد.

از سوی دیگر، پاشنه‌آشیل واقعی کاخ سفید در آستانه تحمل تلفات انسانی نهفته است. در شرایطی که دستگاه محاسباتی پنتاگون برای جلوگیری از خشم عمومی و فرار از تبعات سیاسی، سیاست قطره‌چکانی و گتمان راوارق‌های تلفات را در پیش گرفته و با ادعاهایی مضحک شمار قربانیان را به‌چندده نفر تقلیل می‌دهد تلاش‌هایی که حتی از سوی رسانه‌های برجسته غربی مانند نیویورک تایمز و اینترسپت به عنوان فریبکاری رسوا شده است واقعیت‌های میدانی حکایت از ضربات مرگبار به صدها تن از نظامیان آمریکایی در پایگاه‌های اردن و شناورهای متخاصم دارد. ساختار ارتش آمریکا کشتش فرسایش تدریجی در یک جنگ نامتقارن طولانی را ندارد و هرگونه اصابت بیشتر به منافعش در منطقه، فشار افکار عمومی را برای ترک کامل غرب آسیا دوچندان خواهد کرد.

پایان دوران سیادت دریایی آمریکا با فرا ۴۰۰ کیلومتری ناوگان نظامی این کشور از آب‌های خلیج فارس ثبت شد. جمهوری اسلامی ایران با ترکیب باور ایمانی، خودکفایی در ساخت تسلیحات هوشمند و بهره‌گیری از جغرافیا به عنوان یک سلاح استراتژیک، قواعد حضور در گلولاه انرژی جهان را از نو بازنویسی کرده است. حقیقت انکارناپذیر امروز منطقه این است که استراتژیست‌های کاخ سفید در بن‌بستی بنیادین گرفتار آمده‌اند؛ بن‌بستی که در آن، هرگام تازه برای محاصره یا تعرض به منافع ملت ایران، پاسخی خردکننده‌تر، عمیق‌تر و مستقیم‌تر را بر پیکره منزلزل ارتش آمریکا تحمیل خواهد کرد و روند اخراج متجاوزان از جغرافیای منطقه را به نقطه بازگشت ناپذیر خواهد رساند.

مسیر حرکت به‌سوی آنها می‌توانیم به دستاوردهای مهم‌تری برسیم. امروز شرایط ایران را گذشته تفاوت کرده است. توان بازدارندگی و قدرت دفاعی کشور افزایش یافته و تجربه مقاومت در برابر تهدیدات، معادلات جدیدی را در منطقه ایجاد کرده است. مهم‌تر از همه، مردم ایران نیز در جریان این تحولات به سطح تازه‌ای از خودباوری رسیده‌اند. این سرمایه اجتماعی و فرهنگی نباید نادیده گرفته شود. بنابراین بازگشت به توافق‌ها و مطالبات گذشته بدون در نظر گرفتن شرایط جدید می‌تواند نوعی عقب‌گرد تلقی شود. اگر توافق قبلی در زمان خود دارای برخی مزیت‌ها بوده است، باید توجه داشت که امروز کشور در شرایط دیگری قرار دارد و می‌تواند با نگاه و سطح مطالبات متفاوتی وارد گفت‌وگو شود. اتفاقاً داشتن اهداف بلندتر به‌معنای دست کشیدن از توافقی نیست. وقتی یک کشور اهداف بزرگ‌تری را دنبال می‌کند، حتی در صورت عقب‌نشینی طرف مقابل و رسیدن به یک توافق حداقلی، دستاورد بیشتری خواهد داشت اما اگر از ابتدا سقف مطالبات خود را پایین تعریف کنیم، همان حداقل نیز به‌سختی قابل دستیابی خواهد بود. در هر توافق جدید، ایران می‌تواند مطالبات تازه و متناسب با شرایط جدید را مطرح کند. به‌عنوان نمونه مسأله فعالیت‌های هسته‌ای رژیم صهیونیستی و ضرورت قرار گرفتن این فعالیت‌ها تحت نظارت‌های بین‌المللی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، می‌تواند به‌عنوان یکی از موضوعات جدی مطرح شود. نمی‌توان از یک‌سو برانه هسته‌ای یک کشور را تحت شدیدترین فشارها و نظارت‌ها قرار داد و از سوی دیگر فعالیت‌های هسته‌ای رژیم صهیونیستی را نادیده گرفت. همچنین مسأله جبران خسارت‌ها و دریافت غرامت بابت خسارت‌هایی که به ایران وارد شده نیز می‌تواند در سطح مطالبات جدید مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، ایران می‌تواند موضوع پاسخ‌گویی و پیگیری حقوقی افرادی مثل یحیی و پهلوی و گروهک منافقین در اقدامات خشونت‌آمیز، خرابکاری و ایجاد ناامنی نقش داشته‌اند در چارچوب‌های حقوقی و بین‌المللی دنبال کند.

متن کامل را در
جام جم آنلاین
بخوانید